**بسم الله الرحمن الرحیم [[1]](#footnote-1)**

مطلب چهارم در تنبیه دوم این بود که اگر شک کنیم که موردی شبهه قلیله است تا اجتناب واجب باشد یا کثیره است تا اجتناب واجب نباشد و به عبارت مشهور شبهه مجصوره است یا غیر محصوره، چه باید گفت؟

اشاره کردیم فقها در مقام فتوا شما می‌بینید برخی مثل برخی از اعلام نجف، می‌گویند احوط وجوبی این است که حکم شبهۀ محصوره را دارد و اجتناب واجب است. برخی می‌گویند احوط استحبابی این است که در حکم محصوره است. برخی فتوا می‌دهند اجتناب لازم نیست. ببینیم از نظر معیارها و قواعد اصولی چه باید گفت؟

عرض شد که مبانی مختلف باید بررسی شود،

**مبنای اول:** محقق عراقی در نهایۀ الافکار ج 3 ص 335 می‌فرمایند طبق مبنای شیخ انصاری در موارد شک اصل برائت از تکلیف جاری می‌شود و اجتناب لازم نیست. به خاطر اینکه از طرفی محقق عراقی، محقق نائینی و محقق خوئی نظریۀ شیخ انصاری را اینگونه تبیین کردند که در شبهۀ محصوره کثرت اطراف باعث می‌شود احتمال تکلیف در هر موردی موهوم باشد و هر جا احتمال تکلیف موهوم بود علم اجمالی موهوم بود به خاطر کثرت اطراف در هر طرف، بنای عقلا بر این است که دیگر به این علم اجمالی اعتنا نمی‌کنند. محقق عراقی می‌فرمایند در موارد شک که اطراف شبهه قلیل است یا کثیر، در حقیقت شک داریم آیا علم اجمالی منجز تکلیف داریم یا نداریم؟

به عبارت دیگر شک داریم آیا مبین تکلیف داریم یا نداریم؟ لامحاله اصل برائت و «رفع ما لا یعلمون» می‌گوید اینجا بیان بر تکلیف نداریم لذا برائت جاری می‌شود.

عرض ما این است که این نتیجه و استنتاج از نظریۀ شیخ انصاری نه مورد قبول شیخ انصاری است و نه با واقعیت تطبیق می‌کند. بلکه طبق نظر شیخ انصاری باید بگوییم اگر شک کردیم شبهه محصوره است یا غیر محصوره احتیاط واجب است. مورد جریان اصل برائت نیست.

**توضیح مطلب:** طبق نگاه شیخ انصاری بدون شبهه علم اجمالی به حکم عقل منجز است، «اجتنب عن النجس» می‌آورد از طرف دیگر علم اجمالی وقتی از تنجز خارج می‌شود که کثرت اطراف باشد زیرا کثرت اطراف به حکم سیرۀ عقلاء علم اجمالی را از تنجز خارج می‌کند. در ما نحن فیه ما علم اجمالی که داریم، شک داریم آیا مانعی از تنجز علم اجمالی شکل گرفت یا نه؟ یعنی شک داریم آیا سیرۀ عقلاء بر عدم تنجز این علم اجمالی شکل گرفته است یا شکل نگرفته است؟ اصل عدم مانع جاری می‌شود «اجتنب عن النجس» ثابت است. جالب است که خود شیخ انصاری هم طبق مبنایشان قائل به وجوب احتیاط هستند.

**مبنای دوم:** مبنای صاحب عروه و جمعی از محققین است. که دلیل آقایان بر اخراج شبهۀ غیر محصوره از تنجز تکلیف، روایات خاص بود. یعنی آقایان می‌گفتند علم اجمالی منجز تکلیف است «اجتنب عن النجس» می‌آورد ولی یک مخصص لفظی منفصل داریم صحیحۀ ابی عبیدۀ حذاء و روایت ابی الجارود که می‌گوید در شبهۀ غیر محصوره احتیاط واجب نیست. اینجا مخصص لفظی ما گفته می‌شود مجمل است، با اجمال مخصص که نمی‌دانیم آیا اینجا که اطراف شبهه صد مورد است داخل در صحیحۀ ابی عبیده هست یا نیست؟ اجمال مخصص منفصل لفظی گفته شده به عموم عام لطمه نمی‌زند به «اجتنب عن النجس» نسبت به این مورد مشکوک مراجعه می‌کنیم و باید حکم کنیم در این موارد مشکوک اجتناب لازم است.

عرض می‌کنیم این مطلب که گفته شده به اطلاقش صحیح نیست، در بحث عام و خاص بحث شده است اجمال مخصص گاهی از باب شبهۀ مفهومی است و گاهی از باب شبهۀ مصداقی است. اگر اجمال مخصص از باب شبهۀ مفهومی باشد به عام سرایت نمی‌کند اما اگر اجمال مخصص از باب شبهۀ مصداقی باشد اینجا نه رجوع به عموم عام درست است و نه رجوع به مخصص درست است. یعنی اجمال به عام هم سرایت می‌کند. در ما نحن فیه آیا اجمال مخصص از باب شبهۀ مفهومی است یا از باب شبهۀ مصداقی است؟

این اعلام مفهوم شبهۀ غیر محصوره را تعریف کردند از جهت مفهوم در او تردید ندارند بلکه تردیدشان از این جهت است آیا این مصداق خاص اطراف علم اجمالی که صد مورد شده است آیا از مصادیق شبهۀ غیر محصوره است یا از مصادیق شبهۀ محصوره است؟ چون اجمال مخصص از باب شبهۀ مصداقی است تمسک به عموم عام درست نیست. اینجا باید به اصول عملی تمسک کنند که اصل برائت جاری خواهد بود.

**سؤال:** آیا همین بیان را در نظر شیخ انصاری نمی‌شود تطبیق کرد یعنی چنین بگوییم از طرفی علم اجمالی منجز است و همیشه یک «اجتنب» می‌آورد به حکم بنای عقلا الا در شبهۀ غیر محصوره، حالا ما شک داریم آیا این مورد مصداق شبهۀ محصوره است یا نه مصداق شبهۀ غیر محصوره است؟ چون شبهه مصداقی است نسبت به مخصص، نه به عموم عام تمسک کنیم و نه به مخصص هر دو مجمل می‌شوند اصل برائت جاری کنیم.

جواب از این مسأله ذیل مبنای سوم اشاره می‌کنیم.

**مبنای سوم:** برخی از اعلام قائلند و می‌گویند عدم وجوب اجتناب در اطراف شبهۀ غیر محصوره به خاطر اجماع یا سیرۀ متشرعه است یعنی به خاطر یک دلیل لبی است. طبق این مبنا باز ما یک عامی داریم «اجتنب عن النجس» که علم اجمالی این را برای ما می‌آورد یک مخصص لبی داریم که اجماع یا سیرۀ متشرعه است، شک داریم آیا این مورد که اطراف علم اجمالی صد فرد دارد آیا مصداق شبهۀ غیر محصوره است تا در ذیل دلیل لبی داخل باشد یا نه داخل در این سیره و اجماع نیست تا به عموم عام تمسک شود؟ بنابراین یک دلیل عام و یک مخصص لبی و شبهه هم مصداقی است. اینجا بحث مبنائی است آیا اگر مخصص ما لبی باشد رجوع به عموم عام جایز است یا نه؟

مبنای شیخ انصاری این است که بله اگر مخصص لبی باشد مخصوصا شبهه مصداقی باشد به عموم عام تمسک می‌شود لذا اینجا به «اجتنب عن النجس» تمسک می‌کنیم و می‌گوییم اجتناب واجب است. کسانی هم که مخصص‌شان اجماع یا سیره متشرعه است باید مبنایشان در اصول روشن شود مخصص لبی و شبهه مصداقی است آیا به عموم عام تمسک می‌شود یا نه؟

به عبارت دیگر آیا اجمال به عام سرایت می‌کند یا نه؟ اگر کسی بگوید اجمال به عام سرایت نمی‌کند به عموم عام تمسک می‌کند و اگر بگوید اجمال به عام سرایت می‌کند نوبت به اصول عملی می‌رسد.

**مبنای چهارم:** مبنای محقق عراقی است. ایشان می‌فرمایند در اطراف شبهۀ غیر محصوره کثرت اطراف باعث می‌شود آن قدر احتمال تکلیف ضعیف باشد که انسان اطمینان پیدا می‌کند به عدم تکلیف، طبق این مبنا وضعیت روشن است. آنجا که نمی‌دانم اطراف شبهه غیر محصوره است یعنی این اطمینان به عدم تکلیف برای من پیدا نشده است اگر اطمینان به عدم تکلیف برای من پیدا نشده است علم اجمالی منجز است و اجتناب لازم خواهد بود.

تا اینجا طبق مبانی مشهور ما اشاره کردیم که در موارد شک باید چگونه مشی کنند.

اما طبق مبنای خود ما و اشاره کردیم شهید صدر هم در قسمتی از این مبنا اشتراک دارند با ما یعنی قسمتی از مطالب ایشان را ما قبول داریم ولی در قسمت دیگر با ایشان تخالف داریم طبق مبنای ما عام و خاصی تصویر می‌شود ولی آن عام و خاص غیر از آن چیزی است که مشهور قائلند که جلسه بعد خواهد آمد.

1. - جلسه بیست و هشتم– ‌‌‌شنبه – 24/8/1399 [↑](#footnote-ref-1)